خراسان روزنامه صبح ایران
سه شنبه ۵ بهمن ۱۳۹۵ . ۲۵ ربیع الثانی ۱۴۳۸ . شماره ۱۹۴۵۶

برکت

برکت تلاش می کند تا مضامین پربار اقتصادی در قرآن و احادیث را به زبانی عامیانه تبدیل کند. همچنین به سیره برخی بزرگان دین در حوزه اقتصاد نیز اشاره هایی خواهد داشت. داستان امروز به آیات ابتدایی سوره انسان مربوط می شود.

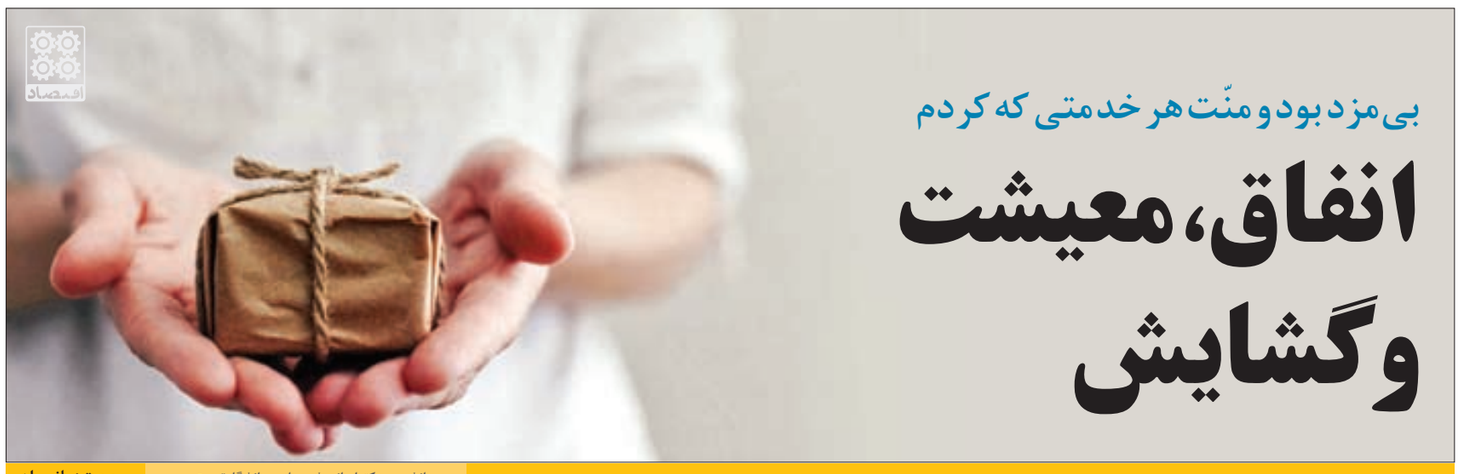

بی مزد بود و منّت هر خدمتی که کردم

انفاق، معیشت و گشایش

حجت زمانی راد
دانشجوی دکترای اندیشه سیاسی دانشگاه تربیت مدرس
h.habibi@khorasannews.com

گاهی در میان روزمرگی های زندگی، مسائل مهمی فراموش می شود. مسائلی که در لابه لای درگیری های روزانه گم می شوند. انفاق یکی از این موارد است. به خصوص در شرایط فعلی. در شرایطی که عمق رکود، بسیاری از ما را آزار می دهد. در این روزها، با خود می گوییم که چیزی برای بخشش وجود ندارد. می گوییم خودما که در مانده ایم. اصلا چیزی باقی نمانده که ببخشیم! شاید اصل داستان اینجاست. ماجرا از جایی شروع می شود که تصور غلط؛ چراغی که به خانه رواست به مسجد حرام است، در ذهن ما رسوخ کرده است امار فتار بزرگان دین به گونه ای دیگر است. به این ترتیب نیست که ابتدا خودمان سیر شویم و سپس به یاد گرسنگان بیفتیم. ماجرا کاملا متفاوت است. خداوند حق معلومی در اموال ما برای مستمندان قرار داده است. یعنی همانطور که به فکر معاش خود و فرزندانمان هستیم، باید به فکر مستمندان هم باشیم. باید به این فکر باشیم که چگونه و چه بخشی از اموال خود را انفاق کنیم. درست شبیه رفتار الگوهای دینی. در حالی که گرسنه بودند بخشیدند قطعا به فرموده بزرگان دینی و آیات و روایات در این صورت برای ما هم گشایشی خواهد داشت.

امام حسن و امام حسین (علیهما السلام) در دوران کودکی مریض شدند. پیامبر به همراه دوتن از اصحابش به عیادت آن ها رفت. یکی از اصحاب رو به علی (ع) کرد و گفت: «یا علی! کاش برای سلامتی فرزندانت نذری می کردی». علی (ع) پیشنهاد وی را پذیرفت و فرمود: اگر خدا آن ها را شفا دهد؛ به نیّت شکر و سپاسگزاری او، سه روز روزه خواهم گرفت. فاطمه (سلام ا... علیها) نیز پس از شنیدن این سخن، امام خود را حتّی در روزه گرفتن هم تنها نگذاشت و همین سخن را تکرار و نیّت سه روز روزه کرد. حسن و حسین (علیهما السلام) نیز پدر و مادر خود را همراهی و نیّت سه روز روزه در صورت شفا کردند. پس از ایشان تنها کسی که از اهالی خانه باقی مانده بود، فضّه بود که او هم همین عهد را با خود و خدا بست.

چند روزی نگذشته بود که حسن و حسین (علیهما السلام) از آن بیماری شفا پیدا کردند و سلامتی خود را بازیافتند. اهالی خانه همانطور که نیّت کرده بودند همگی روزه گرفتند. این در حالی بود که در آن ایّام شهر مدینه از نظر اقتصادی در شرایط مناسبی قرار نداشت. جهادهای صورت گرفته با مشرکین و مهاجرت گسترده مسلمانان از مکّه به مدینه، اثر خود را بر روند اقتصادی شهر گذاشته بود. در چنین شرایطی، واضح است که خانواده پیامبر هم شرایط مالی مناسبی نداشتند؛ به گونه ای که حتّی برای تهیّه غذای روز مره خود نیز با مشکل مواجه بودند.

تلاش برای تهیه غذا

علی (ع) برای تهیه غذا به نزد همسایه خود که ریسنده پشم بود رفت تا با وی معامله ای کند و غذای خانه اش را فراهم کند. پرسید: «آیا حاضری مقداری پشم به من بدهی تا آن ها را به دختر رسول خدا بدهم تا بریسد و تو نیز در عوض چند پیمانه جو به من بدهی؟» همسایه این معامله را پذیرفت. علی (ع) پشم ها را از وی گرفت و به خانه آورد و به فاطمه (سلام ا... علیها) داد. فاطمه شروع به ریسیدن پشم های گوسفند کرد و هنگامی که یک سوم آن را ریسید؛ یک پیمانه از آن جو را برداشت و آسیاب کرد و پنج قرص نان پخت که به هر کدام از اهالی خانه، یک قرص نان می رسید. علی (ع) همراه با رسول خدا نماز مغرب را بجا آورد و به منزل آمد.

روز اول: مسکین

سفره را پهن کردند و آماده افطار نخستین روزه خود شدند. وقتی علی (ع) اولین لقمه را برداشت، مسکینی در کنار در آمد و گفت: «سلام بر اهل بیت رسول خدا! من فقیری مسلمان هستم. از آن غذایی که می خورید، به من هم بدهید. من هم دعا می کنم که خداوند شما را از سفره های بهشتی بهره مند کند».

علی (ع) لقمه را از دستانش به زمین گذاشت و گفت:

«ای فاطمه! این یتیم به اختیار خود به خانه ما نیامده بلکه این خداوند است که این یتیم را نزد ما فرستاده است. هر کس امروز در حقّ این یتیم مهربانی کند، انسان بخشنده ای خواهد بود که جایگاهش در بهشت خرّم است؛ بهشتی که خداوند آن را بر انسان بخیل حرام کرده است. انسان بخیل در آنجا ملامت و سرزنش می شود و روانه آتش دوزخ می شود».

فاطمه (سلام ا... علیها) هم بخشش همسرش را بی پاسخ نگذاشت:

«علی جان! من نیز مانند تو غذای امروز خود را به او خواهم بخشید و هیچ اهمیتی به گرسنگی خود نمی دهم و خداوند را بر خانواده ام ترجیح می دهم. من اطعام را بیش از طعام دوست دارم».

مانند روز گذشته، هر چه بر سر سفره بود جمع کردند و به آن یتیم بخشیدند. برای دومین روز و شب متوالی، گرسنه ماندند و گرسنه خوابیدند و فقط آب نوشیدند.

روز سوم: اسیر مشرک

روز سوم روزه داری آغاز شد. دو روز بود که نه از غذای سحر خبری بود و نه از نان افطار. روز سوم نیز بدون خوردن سحری شروع شده بود. آثار گرسنگی و بی حالی بر چهره همه نمایان بود. خصوصا حسن و حسین (علیهما السلام) که خردسال بودند. فاطمه (سلام ا... علیها) باز هم سراغ پشم های گوسفند را گرفت. یک سوم پایانی آن ها را ریسید و باقیمانده آخرین پیمانه جو را نیز آسیاب کرد و پنج قرص نان پخت. علی (ع) مانند روزهای گذشته، نماز را در مسجد النبی خواند و به منزل آمد. سفره پهن شد تا پس از سه روز گرسنگی، با چیزی غیر از آب افطار کنند. امّا انگار خداوند اراده دیگری کرده است! هنوز لقمه ای نان نخورده بودند که یکی از اسیران مشرک بر در ایستاد و گفت: «سلام بر اهل بیت محمد! ما را اسیر می کنید و به بند می کشید و به ما غذا نمی دهید؟ این انصاف است؟» و باز هم علی لقمه نانش را بر زمین گذاشت و فرمود:

«فاطمه جان! اکنون اسیری راه گم کرده و به زنجیر کشیده شده نزد تو آمده است و بر در خانه ما از گرسنگی شکایت دارد. هر کس که امروز او را اسیر کند؛ فردا نتیجه عملش را نزد خداوند یکتا خواهد یافت. مگر غیر از این است که کشاورز فقط همان چیزی را که کاشته است درو می کند نه چیز دیگری را. پس بدون هیچ منّتی، این بنده خدا را غذا بده». فاطمه نیز درخواست همسرش را اجابت کرد و گفت: «از آنچه داشته ایم فقط یک پیمانه باقی ماند. دستان من به خاطر ریسیدن پشم و آسیاب کردن جو و پختن نان، تاول زده و زخمی شده است. به خدا سوگند که دو فرزند خردسالم گرسنه هستند. خدایا! علی دست خیر دارد و بسیار کار خیر و نیک انجام می دهد. او بازوانی ستبر و قدرتمند دارد و بسیار بخشنده و کریم است. من او را در راه انفاق و دستگیری از دیگران تنها نمی گذارم». پس دست به سفره بردند و آنچه بر سر سفره بود به آن اسیر مشرک دادند و شب سوم را نیز با گرسنگی به صبح رساندند.

سوره انسان در وصف انفاق اهل بیت نازل شده است. انفاق غذا و اطعام دیگران در شرایط نامناسب اقتصادی و مالی

روز دوم: یتیم

روز بعد نیز روزه گرفتند. فاطمه به سراغ یک سوم بعدی پشم ها رفت. وقتی آن ها را ریسید؛ یک پیمانه دیگر جو برداشت و آسیاب کرد و به تعداد اعضای خانه، پنج قرص نان پخت. علی نیز مانند روز گذشته، نماز مغرب را به رسول خدا اقتدا کرد و سپس راهی منزل شد. سفره را پهن کردند تا پس از دو روز گرسنگی، لقمه نانی بخورند. هنوز اولین لقمه را نخورده بودند که این بار یتیمی در آستانه در ظاهر شد: «سلام ای اهل بیت محمد! من یتیم هستم. آیا از آن غذایی که می خورید، به من نمی دهید؟ ان شاءا... که خداوند شما را از سفره های بهشتی بهره مند کند». علی (ع) لقمه ای را که برداشته بود بر سفره نهاد و باز هم رو به همسرش کرد تا تصمیم خود را به او اعلام کند:

منابع:

تفسیر روایی البرهان، علامه سید هاشم بحرانی، ترجمه رضا ناظمیان، علی گنجیان و صادق خورشا.
تفسیر المیزان، علامه سید محمد حسین طباطبایی
تفسیر نمونه، آیت ا... ناصر مکارم شیرازی
تفسیر نور، حجت الاسلام والمسلمین محسن قرائتی

اشاره

سوالات و تجربیات خود را برای ما ارسال کنید

۰۹۰۳۳۳۳۷۰۱۰ | ۲۰۰۰۹۹۹

سوره انسان در وصف همین انفاق اهل بیت نازل شده است. انفاق غذا و اطعام دیگران در شرایط نامناسب اقتصادی و مالی، در حالی که آن غذا تنها چیزی بود که داشتند و خود نیز به شدّت به آن نیاز مند بودند.

يُوفُونَ بِالنَّذْرِ وَيَخَافُونَ يَوْماً كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيراً(۷)
آنان به نذر وفا می کنند و از روزی که شر آن فراگیر است می ترسند.

وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِيناً وَيَتِيماً وَأَسِيراً(۸)
و غذای خود را با آن که دوستش دارند، به بینوا و یتیم و اسیر می دهند.

إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكُوراً(۹)
و می گویند: ما برای رضای خدا به شما طعام می دهیم و از شما هیچ پاداش و حتّی تشکّری نمی خواهیم.

إِنَّا نَخَافُ مِن رَّبِّنَا يَوْماً عَبُوساً قَمْطَرِيراً(۱۰)
همانا ما از پروردگارمان، به خاطر روزی عبوس و سخت، می ترسیم.

بهای نیکی

بزرگی دادیک درهم گدارا
که هنگام دعا یادآر ما را
یکی خندید و گفت این درهم خُرد
نمی ارزید این بیع و شراء را
مکن هرگز به طاعت خودنمایی
حجاب دل مکن روی و ریا را
تو نیکی کن به مسکین و تهیدست
که نیکی خود سبب گردد دعا را
از آن بزمت چنین کردند روشن
که بخشی نور، بزم بی ضیا را
از آن بازوت را دادند نیرو
که گیری دست هر بی دست و پا را
مشو خودبین که نیکی با فقیران
نخستین فرض بودست اغنیا را
ز محتاجان خبر گیر، ای که داری
چراغ دولت و گنج غنا را
به وقت بخشش و انفاق، پروین!
نباید داشت در دل جز خدا را

پروین اعتصامی